



نوع نگاه ما به آخرالزمان تأثیر مستقیم بر نحوه توصیف ما از آن دارد. لذا انتخاب یک منظر صحیح برای پرداختن به موضوعات آخرالزمانی امری اساسی است. از جهتی، دو نوع نگاه نسبت به آخرالزمان وجود دارد. نگاه اول نگاهی دنیایی و مبتنی بر قوانین عالم مادی و وضعیت فعلی بشر بوده و نگاه دوم، نگاهی مبتنی بر تغییر قوانین و دیگر تغییرات عظیم در آخرالزمان می‌باشد. ما در این مقاله بر اساس نگاه دوم جلو می‌رویم. براساس این نگاه، مقاطع آخرالزمان در یک سیر مشخص و تکاملی پیش رفته و جایگاه هر مقطع نسبت به مقاطع دیگر معین می‌گردد. حکومت اولیه امام زمان (عج)، حکومتی مقدماتی است که پس از ظهور امام زمان (عج) و قبل برپایی کامل ملک عظیم اهل بیت (ع) واقع می‌شود. این حکومت در شرایطی تشکیل می‌شود، که امام (ع) به عنوان رکن جبهه حق حضور دارند. علاوه بر اینکه در زمان این حکومت، جبهه باطل به فرماندهی ابلیس، خود را برای رویارویی‌های بعدی با جبهه حق آماده می‌کند. مد نظر قرار دادن جایگاه زمانی این حکومت نسبت به دیگر مقاطع آخرالزمان، به ما در تشخیص ابعاد مختلف آن کمک شایانی می‌کند. نظر به اینکه حکومت اولیه امام زمان (عج) پس از مقطعی همچون «دخان مبین»، «شیوع رجعتها» «ظهور امام زمان (عج)» و قبل از مقاطع «نابودی بدان و بدیها»، «تحولات عظیم آسمان و زمین» و «ملک عظیم» آغاز می‌شود، می‌توان دریافت که: اولاً: با توجه به اینکه یکی از اهداف عمده وقوع مقاطع آخرالزمان تعلیم و تربیت مستعدان لشکر حق است، در بستر این حکومت، بسیاری از تعلیم و تربیت‌های تکمیلی و همچنین تعلیم و تربیت‌های لازم برای مقاطع بعدی صورت می‌پذیرد. علاوه بر آن، آرمان دیرینه بشر برای تحقق قسط و عدل در این حکومت آغاز و مقدمه‌چینی می‌گردد. ثانیاً: با حضور مادی انواع موجودات مثبت و منفی دحانی و برزخی و همچنین رجعت بسیاری از خوبان گذشته، همه این افراد مثبت تحت حاکمیت این حکومت قرار خواهند داشت. ثالثاً: این حکومت در فضایی از ترکیب عالم مادی با عالم دحان و برزخ تشکیل می‌شود، لذا قوانین جاری در آن بدون در نظر گرفتن قوانین عوالم بالاتر بی معنا خواهد بود. رابعاً: مفهوم «دولت حق» که در احادیث بدان اشاره شده است، با در نظر گرفتن شواهد موجود، اشاره به حکومت اولیه امام زمان (عج) دارد و یا دقیقتر اینکه «حکومت اولیه امام زمان (عج)» بخش ابتدایی دولت حق است. یک نکته کلیدی دیگر که می‌توان از آن برای تبیین زوایای مختلف مقاطع آخرالزمان به طور عام و «حکومت اولیه امام زمان (عج)» به طور خاص، بهره برد، تشابه رفتارهای قوم بنی‌اسرائیل و همچنین سنت‌های الهی مربوطه، با امت اسلام است. با استفاده از شواهد فراوان قرآنی و حدیثی اثبات می‌شود که نه تنها مسلمانان مانند یهودیان رفتار کرده و خواهند کرد، بلکه سنت‌های الهی در امت اسلام بسیار شبیه سنت‌های پیاده شده در قوم بنی‌اسرائیل است. با در نظر گرفتن این نکته اساسی و مقایسه روند مسائل مختلف قوم بنی‌اسرائیل می‌توان گفت که مقطع «حکومت اولیه امام زمان (عج)»، بسیار شبیه مقطع «حکومت داود (ع)» است. حکومت حضرت داود (ع) قبل از برپایی ملک بزرگ سلیمانی (ع) واقع می‌گردد، همانطور که حکومت اولیه امام زمان (عج) پیش از برپایی ملک عظیم اهل بیت (ع) تشکیل می‌شود. شواهد مختلفی از آیات قرآن و خصوصاً احادیث اهل بیت (ع) حاکی از این مطلب‌اند. این شباهت در مسائلی همچون: خلافت، نحوه حکم کردن (حکم داودی (ع))، تسخیر اشیاء و موجودات و همچنین شباهت کلی روش امام زمان (عج) با داود (ع) است که در احادیث به صراحت بدان اشاره شده است.

1- مقدمه

«آخرالزمان»، موضوعی است که ذهن بسیاری از محققین و اندیشمندان جهان را به خود مشغول کرده است. به طور کلی پرداختن به مبحث «آینده‌شناسی» در چهارچوب آخرالزمان شناسی، جذابیت‌های فراوانی برای پیروان مکاتب مختلف داشته و دارد و این از آن روست که در بسیاری از منابع مکاتب موجود، در مورد آن صحبت شده، علاوه بر اینکه دانستن آینده و وقایع آن، همواره برای انسان جذاب بوده است. اما یک نکته اساسی در این میان وجود دارد و آن این است که از کدام منظر و زاویه دید باید به آینده و خصوصاً آخرالزمان نگریست؟ افراد بسیاری در طول تاریخ تلاش کرده‌اند تا توصیف و تبیینی از وقایع آخرالزمان داشته باشند اما از کدام منظر؟ ما نیز می‌خواهیم در این مقاله به یکی از مقاطع آخرالزمان بپردازیم. اما از کدام منظر نگاه کنیم؟ ما برای شناخت هر چه دقیقتر اینکه در این مقطع «چه خواهد شد؟»، نیازمند اتخاذ یک منظر صحیح نسبت به موضوع هستیم چراکه نوع تبیین ما نسبت به صحنه‌های آخرالزمان مستقیماً به منظر ما بستگی خواهد داشت. دو منظر را می‌توان برای نگریستن به آخرالزمان طرح نمود:

1- منظر دنیایی و مبتنی بر پیشرفتهای علمی و تکنولوژیک بشری

2- منظر تغییر قوانین و تحولات عظیم در آخرالزمان

1-1 منظر اول؛ نگاه دنیایی

در منظر اول، فرض بر اینست که تحولاتی که در آستانه آخرالزمان و حتی پس از ظهور امام زمان (عج) رخ می‌دهد در چهارچوب قوانین مادی و دنیایی و متناسب با وضعیت فعلی بشر روی می‌دهد. بر این اساس، تعبیری که در احادیث (و حتی برخی از آیات قرآن) برای توضیح فضای آخرالزمان و ظهور بکار رفته، به مصداق‌های دنیای امروز تأویل می‌گردد. نمونه‌های این مسئله فراوان است که در اینجا به دو مورد اشاره می‌شود:

- در توضیح واژه «دجال» که در احادیث به عنوان یکی از عناصر درشت جبهه باطل در آخرالزمان ذکر شده و

تعبیری غیرعادی برای او مطرح گشته است، عنوان می‌شود که منظور از دجال، شبکه گسترده رسانه‌ای غرب است که با ترفندهای مختلف سعی در انحراف و گمراهی انسانها دارد - یا در توضیح تعبیری که در احادیث در مورد نحوه ارتباط یاوران امام (ع) با ایشان ذکر شده (اینکه با نگاه به کف دست راست خود خواست امام (ع) را متوجه می‌شوند و یا در کوتاهترین زمان خود را به ایشان می‌رسانند) عنوان می‌شود که منظور تجهیزات پیشرفته تکنولوژیک همچون موبایل است که یاوران از آنها بهره می‌برند و یا وسایل نقلیه بسیار سریع‌السير همچون هواپیما و ... که از آن برای نقل و انتقال سریع استفاده می‌کنند.

علاوه بر این، با در نظر گرفتن این منظر، می‌بایست بسیاری از مسائل غیرعادی که در آخرالزمان رخ می‌دهد (و در احادیث اهل بیت (ع) ذکر شده) را به عنوان معجزه و امری خارق عادت ذکر کنیم چراکه موارد متعددی وجود دارد که نمی‌توان آنها را با قوانین مادی توضیح داد. مانند: وقوع رجعت‌ها که از مسلمات اعتقادی شیعیان است و همچنین رؤیت برخی از ملائک همچون جبرئیل (ع) در زمان ظهور امام (ع).

حال اگر ما بخواهیم بر اساس این منظر به حکومت امام زمان (ع) نگاه کنیم، احتمالاً باید اینگونه نتیجه بگیریم که امام (ع) نیز همانند بسیاری از حکومت‌های فعلی، تشکیلاتی را ایجاد می‌کند که مثلاً دارای سه قوه مجریه، مقننه و قضائیه است و در این حکومت بسیاری از تشکیلات حکومتی امروزی حضور خواهند داشت که البته به لحاظ تکامل عقول بشر و پیشرفت‌های علمی، نحوه اجرای قوانین و احکام به شکلی نو و به گونه‌ای خواهد بود که در راستای برقراری کامل عدالت باشد.

1-2 منظر دوم؛ نگاه آخرالزمانی

منظر دوم بر این فرض استوار است که دنیا در آخرالزمان و به تدریج، دستخوش تغییرات بسیاری خواهد شد. این تغییرات هم از جنبه مادی و تحولات جهانی در کشورهای مختلف و در عرصه‌های گوناگون است و هم از جنبه قوانین حاکم بر عالم مادی. در این منظر، عالم، در چهارچوب یک سیر تکاملی در نظر گرفته می‌شود که مقطع آخرالزمان (همانطور که از واژه آخرالزمان مشخص است)، زمان پایان یک مرحله (پایان دنیا) و آغاز مرحله‌ای دیگر است که با ظهور امام زمان (عج) و وقایع قبل و بعد از آن صورت می‌پذیرد و در راستای این سیر تکاملی، تحولاتی شگرف در پهنه آسمانها و زمین روی داده و قوانین عوالم بالاتر بر عالم مادی و اشیاء مادی حاکم خواهد شد.

البته قصد ما بر این نیست که در این مقاله به بیان دلایل صحت این منظر بپردازیم اما شواهد فراوانی از آیات قرآن، احادیث اهل بیت (ع) و سیر تاریخ بشر وجود دارد که نشان می‌دهد این سیر یک سیر کاملاً منطقی و عقلانی است.

بر اساس این منظر، قوانین حاکم بر آخرالزمان و مقاطع پس از آن، با قوانین موجود دنیا تفاوت دارد و لذا نمی‌توان احادیث مربوط به آخرالزمان را بر اساس وضعیت فعلی تفسیر و تأویل نمود. مثلاً:

- در توضیح «دجال» می‌توان گفت که با توجه به تغییر قوانین و ظاهر شدن عالم دخان (عالم اجنه و شیاطین) و برزخ، دجال نیز به همراه بسیاری از موجودات عجیب و غریب دیگر در عالم مادی ظاهر می‌شود و توصیفاتی که برای او ذکر شده براساس قوانین دخانی و برزخی کاملاً قابل توضیح است.
- یا در توضیح نحوه ارتباط یاوران امام (ع) با ایشان، به دلیل حاکم شدن قوانین برزخی بر عالم مادی، توانهایی همچون «طی‌الارض» و «نفوذ دید بسیار زیاد»، از توانهای رایج آن زمان خواهد بود که افراد متناسب با قوانین آن زمان، واجد آن می‌شوند.

حال اگر ما بخواهیم بر اساس این منظر به حکومت اولیه امام زمان (ع) نگاه کنیم، توصیف ما از آن به گونه‌ای کاملاً متفاوت خواهد بود. واضح است که حکومت در فضایی از قوانین برزخی (و یا دخانی) فرق بسیار زیادی با حکومت‌های فعلی بشر دارد، حتی اگر پیشرفت‌های علمی و تکنولوژی را نیز در نظر بگیریم.

از مطالب فوق این نتیجه اساسی را می‌توان گرفت که

نوع نگاه (منظر) ما نسبت به آخرالزمان اهمیت بسیار زیادی دارد.

1-3 منظر این مقاله

ما در ادامه این مقاله، منظر دوم را به عنوان منظر خود در نظر می‌گیریم و سعی می‌کنیم که نتایج بررسی‌های خود درباره حکومت اولیه امام زمان (ع) را در چهارچوب این منظر بیان نمائیم.

2- منظور از حکومت اولیه امام زمان (ع) چیست؟

در ابتدا این سؤال به ذهن می‌رسد که منظور ما از «حکومت اولیه امام زمان (عج)» چیست؟

در پاسخ باید گفت، همانطور که در مقدمه بیان شد، ما بر اساس منظور دوم، مقاطع آخرالزمان را بر مبنای یک سیر تکاملی و زمانبندی شده دنبال می‌کنیم. بر اساس این سیر، خروج امام زمان و در نهایت تشکیل حکومت و ملک نهایی ایشان، امری دفعته و ناگهانی نیست، بلکه به تدریج و در چهارچوبی معین و حساب‌شده انجام می‌گیرد. لذا عاقلانه است که مراحل را برای پیش و پس از مرحله «ظهور امام زمان (عج)» (که در آن جسم مبارک امام (ع) برای همگان آشکار می‌شود)، در نظر بگیریم که آیات قرآن و احادیث نیز این مسئله را تأیید می‌فرماید.

پس از یوم الله ظهور و آشکار شدن جسم امام (ع) در شهر مکه، و پیش از برپایی کامل ملک عظیم اهل بیت (ع)، با توجه به اینکه هنوز جبهه باطل به فرماندهی ابلیس لعین حضور دارد، لازم است که جبهه حق نیز که در رأس آن امام زمان (ع) قرار دارند، ساماندهی شود. به این فضایی که امام (ع) پس از ظهور خود ایجاد کرده و حکومتی مقدماتی تشکیل می‌دهند، «حکومت اولیه امام زمان (عج)» می‌گوئیم. این حکومت مقدمه‌ای است برای حکومت نهایی اهل بیت (ع).

3- جایگاه‌شناسی، حکومت اولیه امام زمان (عج)

ما برای اینکه بتوانیم مقاطع آخرالزمان و من جمله مقطع «حکومت اولیه امام زمان (عج)» را بدرستی بشناسیم می‌بایست در ابتدا جایگاه این مقطع را نسبت به مقاطع دیگر و همچنین در راستای برنامه کلان خداوندی برای مقاطع آخرالزمان بشناسیم. با دانستن زمان شکل‌گیری حکومت اولیه امام زمان نسبت به کل مقاطع، بهتر می‌توانیم مشخصات و قوانین آن را دریابیم. اینکه بدانیم این حکومت در چه مقطعی از مقاطع «تغییر قوانین» در آخرالزمان قرار دارد کمک زیادی به فهم و درک زوایای مختلف آن می‌کند.

با توجه به ترتیب زمانی مقاطع آخرالزمان، که براساس آیات قرآن و احادیث اهل بیت (ع) بدست می‌آید، درمی‌یابیم که حکومت اولیه امام زمان پس از مقطعی همچون «اثرگذاری دخانی‌ها»، «جنگ‌های جهانی»، «شیوع رجعت‌ها» و «ظهور امام زمان» و قبل از مقاطع «تحولات آسمانی و زمینی بعد از ظهور»، «نابودی بدن و بدیها»، و

«برپایی ملک عظیم» [1] قرار دارد (البته باید این نکته را نیز در نظر داشت که این حکومت می‌تواند چندین مقطع از مقاطع آخرالزمان را شامل شود و شاید نتوان آن را به یک مقطع زمانی منحصر نمود). این حکومت در فضایی شکل می‌گیرد که هنوز دو جبهه حق و باطل وجود دارد. جبهه حق در قالب این حکومت و به رهبری امام زمان (ع) و جبهه باطل نیز به رهبری ابلیس.

با در نظر گرفتن این جایگاه زمانی، می‌توان ویژگی‌های زیر را برای این حکومت بیان نمود:

3-1 رکن حکومت

در نظام الهی، یعنی آن نظامی که خداوند در قرآن معرفی می‌کند، حکومت‌های الهی، پیوسته توسط هادیان حی، تغذیه می‌شوند و بدون حضور یک هادی حی، حکومت الهی دوام نیاورده و زایل می‌گردد. یکی از نمونه‌هایی که قرآن بدان اشاره می‌کند، حکومت سلیمان (ع) است. حکومت سلیمانی تا زمانی که ایشان در قید حیات هستند با کمال قدرت استمرار دارد اما در فاصله کوتاهی پس از فوت ایشان و پس از آنکه زیردستان از مرگ ایشان آگاه می‌شوند، شکوه و عظمت ملک سلیمانی از بین رفته [2] و بلکه قوایی که ایشان در ملک خود بکار می‌برد نیز به حضورشان قائم بوده و پس از ایشان مورد استفاده قرار نمی‌گیرد (همچون انگشتر و قالیچه) [3].

از اینرو وقتی به مقطع برپایی حکومت اولیه امام زمان (عج) نگاه می‌کنیم، می‌دانیم که امام (ع) ظهور کرده‌اند و خود به عنوان هادی حی حضور دارند، لذا حکومت به ایشان قائم بوده و امام (ع) به عنوان رکن حکومت مطرح خواهند بود. علاوه بر این، تمامی نعمات و قوایی که برای اداره چنین حکومتی مورد نیاز است را خداوند از مجرای وجود امام زمان (عج) جاری کرده و توسط ایشان و با اذن ایشان بکار گرفته می‌شود.

3-2 هدف از تشکیل حکومت

3-2-1-2-2-1 تعلیم و تربیت

یکی از دلایل عمده وقوع صحنه‌های آخرالزمان، تعلیم و تربیت پاک‌طینتان و مستعدان لشکر حق است. هر یک از مقاطع آخرالزمان برای یکی از اهداف تربیتی از پیش تعیین شده الهی، واقع می‌گردد و لذا شناخت این اهداف کمک شایانی به فهم دلیل وقوع مقاطع مختلف آخرالزمان می‌کند. در همین راستا، یکی از اهداف برپایی «حکومت اولیه امام زمان (ع)»، نیز ایجاد بستری مناسب برای آمادگی و تعلیم و تربیت خویان است و از جنبه‌ای می‌توان گفت که این تعلیم و تربیت جهت آمادگی برای مقاطع بعدی (که شامل تحولات آسمانها و زمین و رویارویی‌های عظیم با جبهه باطل است) می‌باشد. چراکه چگونگی جبهه‌بندی‌ها و نبردهای آن مقطع، با توجه به تغییر قوانین، متفاوت از گذشته بوده و نیاز به آمادگی‌ها و تربیت‌های جدیدی دارد.

3-2-2-1-2-2-2 تحقق قسط و عدل

وقتی به احادیث آخرالزمان رجوع می‌کنیم، در بسیاری از آنها وعده داده شده که در زمان حکومت امام زمان (عج) زمین پر از «قسط و عدل» می‌شود، یعنی تحقق قسط و عدل به عنوان یکی از اهداف حکومت امام زمان (عج) مطرح می‌گردد [4]. سؤالی که می‌توان مطرح نمود اینست که،

اولاً: معنای این قسط و عدل چیست؟

ثانیاً: آیا کاملترین صفتی است که در دوران پس از ظهور جریان دارد، قسط و عدل است؟

3-2-2-1-2-2-1-2-2-1 معنای قسط و عدل

معنای مختلفی برای عدل، توسط اندیشمندان ارائه شده است که از آن جمله عبارتند از:

- اعتدال: یعنی «میانروی، و اجتناب از افراط و تفریط در هر امری»

- موزون بودن: یعنی «در هر چیزی عناصر مورد نیاز به قدر لازم (نه به قدر مساوی) وجود داشته باشد. نقطه مقابل عدل به این معنا بی‌تناسبی است، نه ظلم!»

- مساوات (تساوی و نفی هر گونه تبعیض): یعنی «رعایت تساوی در زمینه استحقاق‌های متناسوی، نه اینکه هیچگونه استحقاقی رعایت نگردد و با همه چیز و همه کس به یک چشم نظر شود، که این عین ظلم است»، بلکه یعنی «رعایت کردن حقوق افراد، و حق هر ذی‌حقی را به او عطا کردن».

- هر چیز در جای واقعی خود که مستحق آن است قرار گیرد

- اقامه عدل، همان قسط است

- عدل، مقابل ظلم است

- رعایت استحقاق‌ها در افاضه وجود: «هر موجودی، هر درجه از وجود و کمال وجود که استحقاق و امکان آن را دارد دریافت می‌کند؛ ظلم یعنی منع فیض و امساک وجود از وجودی که استحقاق دارد.»

- هر کاری که خدا انجام دهد عدل است

سوال اینست که کدام معنی از معنای فوق جایگاه بهتری برای طرح در آخرالزمان دارد؟ و از جامعیت بیشتری برخوردار است؟

جواب آنکه عدل را به معنای «هر چیزی را در جایگاه خود قرار دادن» در نظر می‌گیریم اما با این توضیح که:

خداوند در ماجرای خلقت آسمانها و زمین برنامه‌ای عقلانی برای سوق دادن و رساندن آنها به عالی‌ترین اهداف در آینده یعنی «مُلک کبیر» [5] مدّ نظر داشته است، لذا در قالب این برنامه هر چیز را در جایگاهی قرار داده که آن جایگاه، آقوم جایگاه‌ها و بهترین موقعیت برای آن شیء است و اشیاء و اشخاص با قرار داده شدن در این جایگاه‌ها به بهترین وجه ممکن به سوی رشد و کمال حرکت داده می‌شوند. این جایگاه‌ها حقیقتاً در نظام عالم وجود دارند، تمام آیات قرآن نیز حاکی از این مطلب بوده و بلکه دعوت‌کننده به این مهم می‌باشند؛ لذا خداوند می‌فرماید: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ» [6]. از این منظر که بنگریم نظام الهی بر عدل استوار است؛ یعنی هر شیء در مناسب‌ترین شرایط مخصوص به خودش در نظام عالم قرار داده شده است. انسان مختار، باید جایگاهی را که خداوند در عالم برایش در نظر گرفته است بشناسد، سعی کند بر آن مستقر شود، و صادره‌هایش را نیز در جایگاه‌هایی که از او خواسته شده قرار دهد؛ یعنی افکار و امیال و صفات و اعمالش را آنطور که خدا خواسته انجام دهد تا آنها در جایگاه‌های خواسته شده قرار گیرند.

از اینرو در دوران ظهور چون امام زمان (عج) خلیفه‌الله هستند و از جانب خدا کار انجام می‌دهند، باید مجری عدالتی باشند که در قرآن مطرح شده است، اما مجری

عدالت مطروحه در کدام آیه؟ و با چه معنایی؟

1) ایشان بر صراط المستقیم است و دیگران را بر صراط قرار می‌دهد. او بارزترین و عالی‌ترین مصداق این آیه است که خداوند می‌فرماید: «مَنْ يَأْمُرْ بِالْعَدْلِ وَهُوَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» [7]

2) یاوران او نیز باید مردم را به بهترین نحو به سمت ظهور هدایت کرده، و بلکه آنها را به سلامت به بهترین موقعیت‌ها و ارتفاعات ظهور برسانند؛ زیرا خداوند می‌فرماید: «وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ» [8] یعنی: از میان کسانی که آفریده‌ایم، جماعتی هستند که مردم را به حق هدایت می‌کنند و و سعی می‌کنند همه چیز را یا همه افراد را در جایگاه‌های حقی که خدا برای آنها در نظر گرفته قرار بدهند.

نتیجه آنکه امام زمان (عج) در حکومت اولیه‌ای که تشکیل می‌دهند مقدمات برقراری عدل را برپا کرده و به تدریج افراد به سمت جایگاه‌هایی که خداوند برای آنها و در مسیر صراط المستقیم در نظر گرفته سوق داده می‌شوند. یک مصداق از این جایگاه‌ها همان «امامت و وراثتی» است که خداوند در قرآن بدان وعده داده است [9] که البته این مسئله پس از حکومت اولیه و در زمان ملک عظیم اهل بیت (ع) به طور کامل تحقق می‌یابد.

نکته دیگر اینکه، به طور حتم مواعی بر سر راه تحقق عدالت وجود دارد که بزرگترین آنها ابلیس و ابلیسیان‌اند. با توجه به اینکه در زمان تشکیل حکومت اولیه امام زمان (عج) هنوز بدان و بدیها به طور کامل ناپود نشده‌اند، لازم است که پیش از تحقق عدالت، این مانع کنار زده شود. از همینرو «قسط» قبل از «عدل» واقع می‌شود. قسط یعنی «برطرف کردن نقص‌ها، موانع و حجاب‌ها، به منظور برقراری عدل». لذا حکومت اولیه امام زمان (عج) مقدمه‌ای است تا پس از برپایی قسط و نابودی بدان و بدیها، راه رشد و اصلاح بروی انسانها بازگردد و در ملک عظیم، به جایگاه‌های مد نظر رسیده و عدالت محقق گردد.

2-2-3 فصل و رحمت؛ غالب بر عدل

در پاسخ به سؤال دومی که ابتدائاً مطرح کردیم باید گفت که عدل از اسماء خداوندی است یعنی از عالم اسماء به پایین جریان دارد اما عنصری غالب نیست، بلکه رحمت خدا، متت خدا، تفضل توسط خدا، و ... مقوله‌هایی هستند که فوق عدل و غالب بر عدل قرار داده شده‌اند. مثلاً در قیامت، رحمت خدا غالب است [10] و در اواخر قیامت و در بهشت، در فضایی از رحمت، فضل خداوند غلبه دارد. یعنی قیمت این صفات بیشتر از عدل است. در آخرالزمان و پس از ظهور امام زمان (عج) نیز خداوند دنیا را از ظلم خارج کرده و به تدریج وارد عدل می‌کند اما پس از مدت کوتاهی که از بهشت ظهور و برپایی ملک عظیم می‌گذرد هرچه سریعتر رحمت و فضل را بر عدل غلبه می‌دهد و بعد از آن دیگر رحمت و فضل است که در بهشت ظهور پررنگ خواهد بود.

3-3 قوانین حکومت؛ قوانین غیر مادی

برای شناخت قوانین جاری در حکومت اولیه امام زمان (عج) می‌بایست به جایگاه زمانی آن توجه کنیم. این حکومت، پس از مرحله ظهور ایشان و پس از مقاطعی است که در سیر رفعت عوالم، عالم دخان و برزخ با عالم مادی ترکیب شده و قوانین برزخی نیز تا حدود زیادی حاکم شده‌اند. لذا می‌توان گفت که بسیاری از قوانین حاکم بر آن حکومت، برزخی هستند و لذا ویژگیهای آن با این قوانین معنا پیدا می‌کند. شواهد بسیاری از احادیث اهل بیت (ع) پیرامون وقایع غیر عادی و عجیب در زمان ظهور وجود دارد که تنها با در نظر گرفتن قوانین غیر مادی قابل توضیح و تفسیر هستند. در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود:

1- خسف:

یکی از وقایع غیرعادی که در حوالی ظهور امام زمان (عج) اتفاق می‌افتد، خسف است. خسف در این مورد به معنای فرو برده شدن در زمین می‌باشد. در این ماجرای بخصوص که به استناد احادیث چندین مرتبه واقع می‌شود، سپاهیان باطل در مکانهای مختلفی از زمین، فروبرده شده و نابود می‌گردند. این واقعه، مسئله‌ای نیست که بتوان با قوانین مادی و رایج دنیا آن را توجیه کرد. خصوصاً اینکه از شواهد و قرائن موجود در احادیث، واقعه خسف ر انمی‌توان به مسائلی همچون رانش زمین و زلزله و ... نیز تعبیر نمود. یکی از موارد مشهور خسف در احادیث، «خسف بیداء» است [11] که در آن، بخشی از سپاه سفیانی در بیابان بیداء که سرزمینی میان مدینه و مکه است، به زمین فرو می‌رود و هیچ اثری از آنها باقی نمی‌ماند و تنها 2 نفر از این سپاه زنده می‌مانند که این دونفر هم سرشان به عقب بر می‌گردد تا به عنوان گواهی بر وقوع این ماجرا باشند، و البته خود این مسئله نیز با قوانین دنیایی همخوانی ندارد [12]. اما اگر به این ماجرا از دید قوانین برزخی بنگریم می‌یابیم که کاملاً قابل توضیح است. یکی از قوانین رایج در عالم برزخ، که شاید بارها در خواب نیز با آن مواجه شده‌ایم [13]، تغییر ناگهانی وضعیت در مکان و حتی زمان است. طبق قوانین برزخی یک کوه به راحتی و سریعاً می‌تواند به یک دشت و زمین صاف تبدیل شود و بالعکس و یا زمین به سرعت باز و سپس به حالت اولیه برگردد. یعنی تغییر وضعیت اجسام بر اساس قوانین برزخی به راحتی صورت می‌پذیرد و این مسئله امکان وقوع خسف را نشان می‌دهد.

2- مسخ:

در مسخ، [14] جسم مادی انسان به شکل حیوان در می‌آید در حالی که شخصیت او حفظ می‌شود. این مسئله نیز با قوانین مادی همخوانی نداشته و قابل توضیح نیست اما براساس قوانین برزخی و یا دخانی ممکن خواهد بود.

3- رجعت:

در رجعت، که از مسلمات اعتقادی شیعه است، برای افرادی که در گذشته از دنیا رفته‌اند، یک جسم مادی جدید (که ممکن است به همان شکل قبلی و یا به شکلی جدید باشد) بوجود آمده و جنبه‌های بالاتر فرد (روح، جسم برزخی و ...) از طریق آن جسم مادی به عالم مادی باز می‌گردند. این مسئله را نیز نمی‌توان با تجربه گذشته بشر و قوانین مادی توضیح داد چراکه عموماً افرادی که از دنیا رفته و مدت‌ها از مرگشان می‌گذرد، دیگر توان بازگشت به عالم مادی را ندارند. اما در برخی از مقاطع آخرالزمان و به تدریج با ترکیب عالم مادی و دخان با عالم برزخ و مادی شدن اشیاء و موجودات برزخی، «رجعت کردن»ها شروع شده و به امری شایع تبدیل می‌گردد به نحوی که بسیاری از افراد گذشته، چه خوبان و چه بدان به دنیا رجعت می‌کنند.

4- قضاوت و حکم:

یکی از مسائل رایج در حکومت امام زمان (عج)، قضاوت کردن بدون نیاز به شاهد و بینه است که همان روشی است که حضرت داود (ع) نیز استفاده می‌کرد. [15] در احادیث نیز وارد شده که امام زمان (عج) به روش داود (ع) حکم می‌کند و دور از ذهن نیست که روش قضاوت یاوران ایشان نیز به همین صورت بوده و امری نسبتاً فراگیر باشد. لذا این سؤال پیش می‌آید که طبق تجربه بشری و قوانین مادی، چگونه می‌توان بدون دلیل و بینه در مورد یک مسئله بدرستی قضاوت نمود؟ اما اگر حاکم بودن قوانین برزخی را در نظر بگیریم، می‌توان گفت در آنصورت به دلیل بروز و ظهور صفات برزخی افراد، صحت و سقم گفتار و رفتار یک فرد از مشاهده صفات ظاهر شده او قابل تشخیص است و لذا نیازی به دلیل و شاهد و بینه در قضاوت وجود نخواهد داشت.

5- دیگر تعابیر:

علاوه بر موارد فوق، مسائل دیگری نیز در احادیث ذکر شده که با حاکم شدن قوانین دخانی و برزخی بر عالم مادی قابل توضیح‌اند، مانند:

- رفت و آمد سریع مردم و حاضر شدن برای اقامه نمازهای یومیه به امامت امام (ع)
- ارتباط بسیار سریع یاوران با امام (ع) (نگاه به دست راست و دریافت خواست امام (ع))
- حرکت امام (ع) (و یاوران) بر قبه‌هایی از نور
- به سخن درآمدن اشیاء
- و ...

3-4 مضمولین حکومت

اگر به جایگاه زمانی حکومت اولیه امام زمان (عج) نگاه کنیم، می‌یابیم که این مقطع پس از مراحل «دخان مبین» [16] و ظاهر شدن انواع موجودات دخانی شامل اجنه و شیاطین و همچنین شیوع رجعتها و بازگشت کثیری از گذشتگان (چه خوبان و چه بدان) واقع می‌شود، لذا این حکومت در فضایی از حضور تمام این موجودات و افراد واقع می‌شود و می‌توان گفت تمام آنها تحت حکومت امام (ع) قرار می‌گیرند.

البته باید توجه داشت که قرار گرفتن در تحت حاکمیت امام زمان (عج) برای لشکریان حق با علاقه و اشتیاق صورت می‌پذیرد اما لشکریان باطل این مسئله را نخواهند پذیرفت و لذا به تدریج و در طول زمان یا هدایت شده و این حکومت را می‌پذیرند و یا در طی نبردهای بعدی از بین خواهند رفت.

3-5 حکومت اولیه امام زمان (عج)؛ مقطع ابتدایی، دولت حق

طبق احادیث اهل بیت (ع)، کل دوره حیات بشر در زمین که از زمان هیبوط آدم (ع) آغاز می‌شود، به دو دوره با عناوین «دولت باطل» و «دولت حق» تقسیم می‌شود. [17] دولت باطل که از همان زمان هیبوط آدم (ع) به زمین آغاز می‌گردد، تا زمان ظهور امام زمان (عج) ادامه می‌یابد و در این دوران به طور کلی انسان تحت حکومت ابلیس و ابلیسیان قرار دارد و عموماً باطل بر انسانها حاکم است. اما از حوالی ظهور امام زمان (عج)، به تدریج دوران دولت باطل تمام شده و به جای آن دولت حق برپا می‌گردد که دولت حق با حکمرانی اهل بیت (ع) تا قیامت کبری تداوم می‌یابد.

در همین راستا و با استناد به برخی شواهد حدیثی، می‌توان گفت که واژه «دولت» شامل حکومت اولیه امام زمان (ع) نیز می‌شود که در اینجا به دو نمونه اشاره می‌شود:

1- امام باقر (ع) از قول خداوند می‌فرماید:

... أَنْ الْمَهْدِيَّ أَتَى بِه لَيْدِيَّ وَأَظْهَرَ بِه دَوْلَتِي وَ أَتَقَمُّ بِه مِنْ أَعْدَائِي وَ أَغْبَدُ بِه طَوْعًا وَ كَرْهًا... [18]

با توجه به ترتیب عبارات ذکر شده در این حدیث می‌توان بخشی از مراحل آخرالزمان را استخراج نمود. به اینصورت که:

(انتصر به لیدینی) - اشاره به غلبه دین اسلام بر تمامی ادیان

(اظهر به دولتی) - ظاهر شدن حکومت اولیه امام زمان (عج)

(انتقم به من اعدائی) - جنگهای عظیم بعد از ظهور و نابودی بدان و بدیها

(اعبد به طوعا و کرها) - اشاره به عبودیت افراد در ملک عظیم

از آنجا که ملک عظیم اهل بیت (ع) زمانی برپا می‌شود که بدان و بدیها نابود شده باشند، لذا منظور از عبارت «دولت» اشاره به حکومتی دارد که قبل از ملک عظیم اهل بیت (ع) تشکیل می‌شود، یعنی همان حکومت اولیه امام زمان (عج).

2- در حدیث آمده که:

... (در مورد والنهار إذا تجلی)، قال: النهار هو القائم عليه السلام منا أهل البيت، إذا قام، غلب دولته الباطل ... [19]

در این حدیث نیز عبارت دولت برای زمانی اطلاق شده است که همچنان جبهه باطل وجود دارد و لذا در مورد حکومت اولیه امام زمان (ع) است. یعنی امام (ع) دولتی تشکیل می‌دهند و بر باطل غلبه می‌کنند.

در مجموع با توجه به اینکه در زمان حکومت اولیه امام زمان (عج)، همچنان بدان و بدیها به فرماندهی ابلیس وجود دارند، و دولت باطل هنوز از بین نرفته است. دو حکومت حق و باطل بر روی زمین وجود دارند و رفته رفته دولت حق بر دولت باطل غلبه می‌کند. علاوه بر اینکه در مورد تأویل آیه «جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل كان زهوقا» که عنوان می‌شود مربوط به زمان ظهور امام زمان است. می‌توان گفت که با ظهور امام زمان (جاء الحق) و برپایی حکومت اولیه ایشان، مراحل نابودی باطل (زهق الباطل) آغاز می‌شود و تا برپایی ملک عظیم کاملاً تحقق می‌یابد.

4- حکومت اولیه امام زمان (عج) از نگاه سنتهای الهی در قوم بنی اسرائیل

یکی از نکات قابل توجه که در احادیث اهل بیت (ع) بدان اشاره شده، تشابه رفتارهای امت اسلام با قوم بنی اسرائیل است. در حدیثی از سیدمان رسول الله (ص) آمده است که مسلمانان، قدم به قدم رفتارهای قوم بنی اسرائیل را دنبال می‌کنند که این مسئله را از آیات قرآن نیز می‌توان برداشت نمود. [20] اما جالب‌تر آنست که برنامه‌هایی که خداوند در قوم بنی اسرائیل داشته نیز شبیه برنامه‌هایی است که در اسلام پیاده می‌شود. یعنی نه تنها مسلمانان مانند یهودیان رفتار می‌کنند، بلکه برنامه‌های خداوندی برای مسلمانان نیز شبیه برنامه‌هایی است که در قوم بنی اسرائیل اعمال شده است. نتیجه آنکه، با استفاده از این تشابه می‌توان بسیاری از نکات مبهم آخرالزمان را بدست آورد.

شواهد زیادی از آیات قرآن، در این ارتباط وجود دارد که در اینجا به دو نمونه می‌توان اشاره نمود:

1- استخلاف در زمین:

در آیه 129 سوره اعراف، بنی اسرائیل پس از اینکه دچار سختی‌هایی می‌شوند به موسی (ع) می‌گویند:

أَوْذِنَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَأْتِيَنَا وَ مِنْ بَعْدِ مَا جِئْتَنَا

«پیش از آنکه به سوی ما بیایی آزار دیدیم، (هم اکنون) پس از آمدنت نیز آزار می‌بینیم! (کی این آزارها سر خواهد آمد؟)»

و موسی (ع) در جواب ایشان می‌فرماید:

قَالَ عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يُهْلِكَ عَذُّكُمْ وَ يَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ

«امید است پروردگارتان دشمن شما را هلاک کند، و شما را در زمین جانشین (آنها) سازد، و بنگرد چگونه عمل می‌کنید!»

مشابه این موضوع را ما در زمان ظهور امام زمان (عج) داریم، در سوره نور آیه 55، خداوند می‌فرماید:

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لِيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفْنَا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ

این وعده خداوند است که در زمان ظهور، مؤمنینی که عمل صالح انجام می‌دهند در زمین خلیفه و جایگزین شوند، همانطور که قبلی‌ها جایگزین شدند. حال اگر در نظر بگیریم که سیره خداوندی در قوم بنی‌اسرائیل است، می‌توان گفت که منظور از قبلی‌ها در آیه فوق همان، قوم بنی‌اسرائیل است که در آیه 129 اعراف بدان اشاره شد؛ یعنی بنی‌اسرائیل از دست فرعونیان نجات داده شده و در زمین جایگزین آنها شدند. امت اسلام نیز پس از ظهور استخلاف داده می‌شوند.

2- ارث دادن زمین:

پس از اینکه خداوند در آیه 136 سوره اعراف می‌فرماید، ما از فرعونیان انتقام گرفته و فرعون را در دریا غرق کردیم، در آیه 137 می‌فرماید:

وَأُورِثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَ تَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَى عَلَيَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ يَمَا صَبَرُوا

«و مشرقها و مغربها پر برکت زمین را به آن قوم به ضعف کشانده شده (زیر زنجیر ظلم و ستم)، ارث دادیم و وعده نیک پروردگارت بر بنی اسرائیل، بخاطر

صبر و استقامتی که به خرج دادند، تحقق یافت»

یعنی به قوم بنی‌اسرائیل، (مستضعفین) وعده وراثت زمین داده می‌شود. عین این ماجرا را ما در اسلام درباره ماجرای ظهور داریم، در سوره قصص آیه 5 آمده:

وَ نُبَيِّدُ أَنْ تَمَنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَ تَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ تَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ

«ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم!»

یعنی وعده وراثت و امامت در زمین به مستضعفین امت اسلام نیز داده می‌شود. لذا می‌توان گفت، ارث دادن زمین سیره خداوندی است که در قوم بنی‌اسرائیل و امت اسلام انجام می‌گردد. با توجه به این سیره می‌توان نحوه وارث شدن مستضعفان در قوم اسلام را با توجه نحوه وارث شدن مستضعفان قوم بنی‌اسرائیل بدست آورد. وقتی به آیه 137 اعراف توجه کنیم می‌یابیم که خداوند بنی‌اسرائیل را وارث شرق و غرب زمین قرار داد و برکت برایشان جاری نمود. اما قوم بنی‌اسرائیل چه زمانی به این موضوع رسیدند؟ بنی‌اسرائیل در زمان موسی (ع)، بعد از اینکه فرعونیان غرق شدند چهل سال آواره شدند، لذا منظور آن زمان نیست. بعد از موسی (ع) در زمان داود(ع)، مقداری از این ماجرا مصداق پیدا می‌کند اما حکومت ایشان یک حکومت کوچک است و نمی‌تواند مصداق کامل آیه فوق باشد. اما در زمان سلیمان (ع) حکومتی بسیار بزرگ در شرق و غرب زمین تشکیل می‌شود و مصداق این وراثت در زمین است. با توجه به این آیه می‌توان دانست که محدوده ملک سلیمانی مشارق و مغارب زمین است. خداوند برکات بسیاری را نیز به ایشان عطا فرموده بود. علاوه بر آن می‌فرماید: **وَ تَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَى عَلَيَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ**، خداوند بهترین نعمات را در حسن‌ترین وجه بر بنی‌اسرائیل جاری کرده بود، **يَمَا صَبَرُوا**، بخاطر صبری که نسل‌های گذشته از بنی‌اسرائیل داشتند. یعنی گذشتگان از بنی‌اسرائیل یا نسل‌های اول تا چندم بنی‌اسرائیل از زمان موسی (ع) تا زمان طالوت (ع) صبر را انجام داده بودند و خداوند ملک را در نسل‌های بعدی قرار داد، عین این ماجرا را خداوند در اسلام قرار داده، از زمان حضرت رسول‌الله (ص)، اهل بیت (ع) و شیعیان ایشان سختیها و مصائب زیادی را متحمل شدند، و بر نسل‌هایی که در آخرالزمان هستند ملک جاری می‌شود، زمین در آن زمان به مستضعفین ارث داده می‌شود، به همان صورتی که بر سلیمان (ع) جاری شد.

البته باید توجه داشت که سیره خداوندی در امت اسلام که همان سیره در قوم بنی‌اسرائیل است، در مقیاسی بزرگتر و در افرادی با شأن بالاتر جاری می‌گردد. مثلا ملک سلیمانی در زمان امام زمان (عج) نیز جاری می‌شود اما هم شأن امام زمان (عج) از سلیمان (ع) بالاتر است و هم کیفیت و کمیت ملک مهدی (عج) از ملک سلیمان (ع) بسیار بهتر و بیشتر است. اگر ملک سلیمانی در مشارق و مغارب زمین برپا شد، ملک مهدی (عج) در **جَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ [21]** واقع می‌شود که بسیار بزرگتر است.

4-1 حکومت اولیه امام زمان (عج)؛ مشابه حکومت داود (ع)

با در نظر گرفتن مطالب قبل، حال اگر بخواهیم تشابه حکومت اولیه امام زمان (عج) را با یکی از مقاطع سیر قوم بنی‌اسرائیل بررسی نماییم، می‌توان گفت که این حکومت مشابه حکومتی است که در زمان داود (ع) تشکیل می‌شود، یعنی حکومتی کوچک و مقدماتی پس از ماجرای طالوت (ع) و پیش از برپایی ملک سلیمان (ع). حکومت اولیه امام زمان (عج) نیز به عنوان یک حکومت مقدماتی پس از ماجرای ظهور و پیش از برپایی ملک عظیم اهل بیت (ع) واقع می‌گردد.

تشابه ماجرای حضرت داود (ع) با حکومت امام زمان (عج) و رفتارهای ایشان را می‌توان از طریق آیات قرآن و احادیث بررسی نمود. موارد این تشابه عبارتند از:

1- حکومت داود (ع)

در زمان داود (ع) و قبل از برپایی ملک سلیمان (ع)، بنی‌اسرائیل به حکومت رسیدند اما یک حکومت کوچک و اولیه. پس از ظهور و قبل از برپایی ملک عظیم نیز امام زمان (عج) حکومتی اولیه تشکیل می‌دهند تا مقدمات برپایی ملک فراهم گردد. اما همانطور که پیش از این نیز بدان اشاره شد، شأن افراد و مقیاس‌ها در امت اسلام بزرگتر از قوم بنی‌اسرائیل است یعنی هم شأن امام زمان (عج) بسیار بالاتر از داود (ع) است و هم حکومت ایشان بزرگتر و قویتر.

2- خلافت داود (ع)

خداوند در سوره ص آیه 26، حضرت داود (ع) را به عنوان خلیفه خود در زمین مطرح می‌فرماید [22] و سپس از ایشان می‌خواهد که بین مردم به حق حکم کند. امام زمان (عج) نیز در زمان ظهور به عنوان خلیفه خداوند مطرح می‌شوند و از مردم خواسته می‌شود که از ایشان تبعیت کنند [23] و ایشان نیز بین مردم به حق حکم خواهند کرد. اما این خلافت برای داود (ع)، به استناد آیه 24 سوره ص [24]، «خلافت رب» است و برای امام زمان (عج) «خلافت الله». یعنی شأنت بالاتر در خلافت نیز رعایت شده است.

3- حکم داودی (ع)

بر اساس آیه 251 سوره بقره، خداوند به داود (ع) حکم (حکمه) و علم عطا می‌کند و ایشان نیز بر آن اساس بین مردم حکم می‌کنند [25]. اما روش حکم کردن حضرت داود (ع)، روش خاصی بود به نحوی که ایشان بدون بینه و دلیل در مورد افراد حکم می‌کردند. در مورد امام زمان (ع) نیز آمده است که روش حکم کردن ایشان همانند داود (ع) است، یعنی بدون نیاز به شاهد و بینه و با علم و الهام الهی حکم می‌کنند [26]. البته شاید بتوان گفت این تشابه در نحوه حکم کردن امام زمان (عج) با داود (ع)، به کل حکومتداری مربوط گردد یعنی حکومت اولیه امام زمان (عج) همچون حکومت داود (ع) است.

4- تسخیر اشیاء و موجودات برای داود (ع)

در آیات مختلفی از قرآن، آمده است که جمادات و موجودات به تسخیر حضرت داود (ع) بودند و یا به همراه ایشان به تسبیح خداوند می‌پرداختند [27]. در زمان ظهور نیز با ظاهر شدن ملائکه و اجنه و دیگر موجودات، همه در خدمت امام (ع) خواهند بود. نمونه بارز آن حضور ملائک مقرب، جبرئیل و میکائیل (ع) در زمان ظهور است که اولین بیعت کنندگان با امام زمان (عج) خواهند بود. علاوه بر آن اشیاء و جمادات نیز به سخن در می‌آیند و در خدمت لشکر حق هستند.

علاوه بر موارد فوق، در حدیثی از امام صادق (ع) آمده است: [28]

... و أنزل الله تبارك و تعالی علیه الزبور و علمه صنعة الحديد فلينه له و أمر الجبال و الطير أن تسبح معه و أعطاه صوتا لم يسمع بمثله حسنا و أعطاه قوة في العبادة و أقام في بني إسرائيل نبيا و هكذا يكون سبيل القائم ع له علم إذا حان وقت خروجه انتشر ذلك العلم من نفسه و أنطقه الله عز و جل فناداه اخرج يا ولي الله فاقتل أعداء الله و له سيف مغمد إذا حان وقت خروجه اقتلع ذلك السيف من غمده و أنطقه الله عز و جل فناداه السيف اخرج يا ولي الله فلا يحل لك أن تقعد عن أعداء الله فيخرج ع و يقتل أعداء الله حيث ثقفهم و يقيم حدود الله و يحكم بحكم الله عز و جل ...

... و خداوند تبارک و تعالی بر ایشان زبور را نازل فرمود و به ایشان صنعت آهن را تعلیم داد و آن را برای او نرم گردانید و به کوهها و پرندگان امر نمود که همراه او تسبیح گویند و به او صدایی عطا فرمود که خوشتر از آن شنیده نشود و به او قوت عبادت عطا نمود و پیامبری را در بنی اسرائیل قرار داد و همینگونه است روش قائم (ع)، برای ایشان علمی است که در زمان خروجش آن علم از نفسش منتشر شده و خداوند عزوجل آن را به سخن می‌آورد و او را ندا می‌دهد که خارج شو ای ولی الله و دشمنان خدا را بکش و او شمشیری غلاف شده دارد که در هنگام خروج او شمشیر از غلاف خود خارج شده و خداوند عزوجل آن را به سخن در می‌آورد و شمشیر ندا می‌دهد که ای ولی الله بر تو حلال نشده که از دشمنان خداوند عقب بیافتی پس ایشان خروج می‌کند و دشمنان خدا را هر جا که بیابد می‌کشد و حدود الهی را برپا می‌دارد و به حکم خداوند عزوجل حکم می‌کند ...

در این حدیث، امام صادق (ع) با اشاره به عطا نعمات مختلف به داود (ع) از جانب خداوند، می‌فرماید که روش کلی امام زمان (عج) نیز همان روش داود (ع) است.

4-2 اشاره به حکومت امام زمان (عج) در زبور داود (ع)

در زبور داود (ع) نیز به دفعات از حکومت امام زمان (عج) نام برده شده است. در اینجا به دو مورد اشاره می‌شود:

1- حکومت صالحان در زمین

خداوند در سوره انبیاء، آیه 105 می‌فرماید:

در «زبور» بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: «بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد!»

در احادیث آمده است که منظور از بندگان صالح، امام زمان (عج) و یاوران ایشان است. [29]

2- مناجات حضرت داود (ع) و بشارت به امام زمان (عج)

در سفر 71ام از زبور، مناجاتی از حضرت داود (ع) بیان شده که در آن ایشان به ظهور امام زمان (عج)، برپایی دولت ایشان، تحقق قسط و عدل و نابودی دشمنان ایشان بشارت می‌دهد. بخشی از این مناجات به شرح زیر است: [30]

فیه : ما ناجی الله داود في السفر الحادي والسبعين من الزبور قوله : اللهم أعط قيامتك للسلطان وحجتك لذريته ، إلى أن يقول : وسيظهر في دولته حجة ويزيد العدل والقسط إلى أن يزول القمر ، ويحكم من البحر إلى البحر ، ومن الوادي إلى جميع ما على وجه البسيطة ، وتنعطف له العالم ، وتقبل رجله الجيش ، وتلعب الأرض عنده الأعداء ، وتهدى إليه الهدايا من سلاطين الجزاير ويقدم له من سلاطين العرب واليمن التقديمت ويسجدون له ويثني عنده جميع سلاطين الأرض وملوك العجم عنده

در آن آمده است آنچه داود مناجات نمود با خداوند در سفر هفتاد و یکم از زبور : خدایا عطا نما قیامتت را برای سلطان و حجت خود را برای فرزندان... تا آنجا که می‌گوید: و آشکار می‌گردد در دولتت حجتی و عدل و قسط زیاد می‌گردد تا اینکه ماه زایل شود. و حکومت می‌کند از دریا تا دریا، و از وادی تا همه آنچه بر روی بسیطه است. عالم برایش منعطف می‌گردد. پیش پایش لشکر حرکت می‌کند و زمین نزد او دشمنان را می‌بلعد و پادشاهان جزایر هدیه برایش می‌فرستند و تقدیم می‌کنند پادشاهان عرب و یمن هدایایی را و سجده می‌کنند بر او و همه پادشاهان زمین و سلاطین عجم در نزدش ثنای او را می‌گویند.

نکته جالب توجه این است که داود (ع) در این مناجات به مسخر شدن عالم برای امام زمان (عج)، تسلیم شدن دیگر پادشاهان زمین در برابر ایشان و حتی واقعه خسف و فرو برده شدن دشمنان در زمین اشاره می‌کند.

پاورقی:

یا اینکه نسبت به مردم [= پیامبر و خاندانش]، و بر آنچه خدا از فضلش به آنان بخشیده، حسد می‌ورزند؟ ما به آل ابراهیم، کتاب و حکمت دادیم؛ و مُلک عظیمی در اختیار آنها قرار دادیم.

معننا عن إبراهيم قال: قلت لأبي عبد الله (ع): جعلت فداك، ما تقول في هذه الآية أم يحسدون الناس علي ما آتاهم الله من فضله فقد آتينا آل إبراهيم الكتاب والحكمة و آتيناهم ملكاً عظيماً؟ قال (ع): نحن الناس الذين قال الله، ونحن المحسودون، ونحن أهل الملك ... (از امام صادق (ع) در باره آیه 54 سوره نساء سؤال شد. فرمودند: ماییم مردمی که خداوند فرموده، و ماییم مورد حسد واقع شدگان، و ماییم اهل ملک و پادشاهی... / تفسیر فرات کوفی ص 107 من سوره النساء ج 101 / بحار الأنوار ج 23 ص 299 باب 17 - جوب طاعتهم و أنها المعني بالملك العظيم ح 50

[2] «با درگذشت حضرت سلیمان، انحراف در میان بنی اسرائیل آغاز شد. دولت وی تجزیه گشت، سپس خداوند کسانی را بر بنی اسرائیل مسلط کرد تا آنان را به عذابی دردناک گرفتار سازد.» / کتاب عصر ظهور، علی کورانی

[3] / 14

(با این همه جلال و شکوه سلیمان) هنگامی که مرگ را بر او مقرر داشتیم، کسی آنها را از مرگ وی آگاه نساخت مگر جنبنده زمین [= موریانه] که عصای او را می‌خورد (تا شکست و پیکر سلیمان فرو افتاد)؛ هنگامی که بر زمین افتاد جتیان فهمیدند که اگر از غیب آگاه بودند در عذاب خوارکننده باقی نمی‌ماندند!

[4] ابي سعيد الخدري قال رسول الله ص المهدي يملأ الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً يملك سبع سنين. حضرت رسول (ص) فرمودند: مهدي (عج) زمین را از قسط و عدل پر می‌کند همچنانکه از ظلم و جور پر شده است و هفت سال حکومت می‌کند. / بحار الأنوار ج 3 ص 368

[5] « / سوره انسان، آیه 20

ترجمه: «و چون بنگری، [آنجا را] پرنعمت و مُلک کبیر می‌بینی.»

[6] ترجمه: «همانا این قرآن به [آیینی] که خود استوارترین است هدایت می‌کند.» / سوره اسراء، آیه 9

[7] « / سوره نحل، آیه 76

ترجمه: «و خدا متلی می‌زند: دو مرد هستند که یکی از آنها لال است و هیچ کاری از او بر نمی‌آید و او سربرار خداوندگارش می‌باشد. هر جا که او را می‌فرستد خیری به همراه نمی‌آورد. آیا او با کسی که به عدالت فرمان می‌دهد و خود بر صراط المستقیم هست یکسان است؟»

[8] ترجمه: «و از میان کسانی که آفریده‌ایم، جماعتی هستند که به حق هدایت می‌کنند و به حق عدل می‌نمایند.» / سوره اعراف، آیه 181

[9] « / سوره قصص، آیه 5

[10] / 5

همان بخشنده‌ای که بر عرش مسلط است.

[11] ابن فضال عن حماد عن إبراهيم بن عمر عن عمر بن حنظلة عن أبي عبد الله ع قال خمس قبل قيام القائم من العلامات الصيحة و السفیانی و الخسف بالبيداء و خروج الیمانی و قتل النفس الزکیة امام صادق (ع) : پنج چیز از نشانه های قبل از قیام قائم است. صیحه آسمانی و سفیانی و خسف بیداء (فرو رفتن افراد در سرزمین بیداء) و خروج یمانی و کشتن نفس زکیه. / بحار الأنوار ج 52 ص 209

[12] چراکه اگر سر یک انسان سالم بیش از مقدار معینی به عقب بچرخد، دچار شکستگی شده و امکان ندارد که فرد زنده بماند.

[13] انسان در یک خواب عادی (بدون دخالت شیاطین و موجودات دخیانی) جسم برزخی‌اش از جسم مادی رها شده و در عالم برزخ سیر می‌کند و لذا مشاهداتی که انسان در خواب دارد مبتنی بر عالم برزخ و قوانین برزخی است.

[14] روي الطبراني في معجمه عن أبي سعيد الخدري قال قال رسول الله ص في آخر الزمان تأتي المرأة فتجد زوجها قد مسخ قرداً لأنه لا يؤمن بالقدر ابو سعيد خدري نقل مي کند که حضرت رسول الله فرمودند: که در آخر الزمان زني مي آید و همسرش را به صورت میمون مسخ شده مي یابد زیرا او به شب قدر ایمان نداشت. / بحار الأنوار ج 62 ص 241

[15] الشَّيْخُ الْمُفِيدُ فِي الرَّشَادِ، رَوَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَجَّانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ إِذَا قَامَ قَائِمٌ آلِ مُحَمَّدٍ ع حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ لَا يَحْتَاجُ إِلَى بَيِّنَةٍ يُلْهِمُهُ اللَّهُ تَعَالَى فَيُحْكِمُ بِعِلْمِهِ وَيُخَيِّرُ كُلَّ قَوْمٍ يَمَا اسْتَبْطَنُوهُ الْخَبَرَ

آن گاه که قیام کننده آل محمد علیهم السلام بپاخیزد، در میان مردم به حکم داود حکم نماید، و نیازی به شاهد و بیته ندارد، بلکه خداوندگار بلند مرتبه او را الهام می‌کند و او به علم خویش عمل خواهد کرد. و هر قومی را از اجتهاد و استنباطشان خبر می‌دهد و دوست و دشمن خود را با نشان الهی می‌شناسد، چنانکه خدای تبارک و تعالی می‌فرماید: «به راستی در آن نشانه‌هایی است برای هوشمندان، و به راستی آن هر آینه به راه ثابت است.» / بحار ج 14 ص 14 ح 22

[16] مقطع «دخان مبین» یکی از مقاطع آخرالزمان است که در آن به جهت رفعت عوالم و ترکیب عالم مادی با عالم دخان، موجودات دخیانی نمود مادی پیدا کرده و قابل رؤیت خواهند شد.

[17] عن زرارة عن أبي عبد الله ع في قول الله " وَ تِلْكَ الْأَيَّامُ تُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ " قال ما زال مذ خلق الله آدم دولة لله و دولة لإبليس، فأين دولة الله أما هو إلا قائم واحد امام صادق (ع) درباره آیه شریفه " وَ تِلْكَ الْأَيَّامُ تُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ " فرمودند: از زمانی که خداوند آدم را آفرید حکومتی (دولتی) برای خدا و حکومتی (دولتی) برای ابلیس است، پس دولت خدا کجاست؟ آیا آن به جز قائم واحد چیز دیگری است؟ / تفسیر العیاشی ج 1 ص 199

[18] کافی ج 2 ص 8 / بحار الانوار ج 26 ص 279 باب 6

[19] معجم احادیث الامام المهدي ج 5 ح 1932

[20] قال رسول الله (ص): كل ما كان في الأمم السالفة فإنه يكون في هذه الأمة مثله، هر آنچه که در امتهای پیشین واقع شده مثل آن در این امت واقع می‌شود در این امت نیز واقع می‌شود: حذو النعل بالنعل و القذة بالقذة، مانند آن مسائل نعل به نعل و قدم به قدم

و عینا، / بحار ج 28 ص 10 حدیث 15

قال رسول الله (ص): ... لِيَأْتِيَنَّ عَلِيٌّ أُمَّتِي مَا أَتَى عَلِيٌّ بَنِي إِسْرَائِيلَ حَدَثُوا التَّغْلَ بِالْتَّغْلِ... آنچه که بر بنی اسرائیل واقع شد بر امت من نیز حتما نعل به نعل و عینا واقع می شود، / بحار ج 28 ص 29 حدیث 37

[21] / 21

به پیش تازید برای رسیدن به مغفرت پروردگارتان و بهشتی که پهنه آن مانند پهنه آسمان و زمین است و برای کسانی که به خدا و رسولانش ایمان آورده‌اند؛ آماده شده است، این فضل خداوند است که به هر کس بخواهد می‌دهد؛ و خداوند صاحب فضل عظیم است!

[22] یا داوودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ / سوره ص، آیه 26

ای داوود! ما تو را خلیفه در زمین قرار دادیم؛ پس در میان مردم بحق داوری کن

[23] السَّادِسَ عَشَرَ فِي قَوْلِهِ عَ عَلَى رَأْسِهِ عِمَامَةٌ وَيَسْتَأْذِنُهُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ وَعَلَى رَأْسِهِ عِمَامَةٌ فِيهَا مُنَادٍ يُنَادِي هَذَا الْمَهْدِيُّ خَلِيفَةُ اللَّهِ

فَاتَّبِعُوهُ / بحار الأنوار ج 51 ص 81

سید ما رسول الله (ص) فرمود: مهدی (عج) خروج می‌کند در حالی که بر روی سر او (عمامه‌ای) است که در آن منادی است که ندا می‌دهد، این مهدی خلیفه الله است، از او تبعیت کنید.

[24]

(داوود) گفت: «مسلماً او با درخواست يك ميش تو براي افزودن آن به ميشهايش، بر تو ستم نموده؛ و بسياري از شريكان (و دوستان) به يکديگر ستم مي‌کنند، مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند؛ اما عده آنان کم است!» داوود دانست که ما او را (با این ماجرا) آزموده‌ایم، از این رو از پروردگارش طلب آموزش نمود و به سجده افتاد و توبه کرد.

[25] / 251

سپس به فرمان خدا، آنها سپاه دشمن را به هزیمت واداشتند. و «داوود» (نوجوان نیرومند و شجاعی که در لشکر «طالوت» بود)، «جالوت» را کشت؛ و خداوند، حکومت و دانش را به او بخشید؛ و از آنچه می‌خواست به او تعلیم داد. و اگر خداوند، بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نمی‌کرد، زمین را فساد فرامی‌گرفت، ولی خداوند نسبت به جهانیان، لطف و احسان دارد.

[26] الشَّيْخُ الْمُفِيدُ فِي الرِّشَادِ، رَوَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَجَلَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ ع حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ لَا

يَحْتَاجُ إِلَى بَيْتَةٍ يُلْهَمُهُ اللَّهُ تَعَالَى فِيحْكُمُ بَعْلَمِهِ وَ يُخْبِرُ كُلَّ قَوْمٍ بِمَا اسْتَبْطَنُوهُ الْحَبْرُ / بحار ج 14 ص 14 ح 22

آن گاه که قیام کننده آل محمد علیهم السلام بیاخیزد، در میان مردم به حکم داود حکم نماید، و نیازی به شاهد و بیته ندارد، بلکه خداوندگار بلند مرتبه او را الهام می‌کند و او به علم خویش عمل خواهد کرد. و هر قومی را از اجتهاد و استنباطشان خبر می‌دهد و دوست و دشمن خود را با نشان الهی می‌شناسد، چنانکه خدای تبارک و تعالی می‌فرماید: «به راستی در آن نشانه‌هایی است برای هوشمندان، و به راستی آن هر آینه به راه ثابت است».

[27] / 10

و ما به داوود از سوي خود فضیلتی بزرگ بخشیدیم؛ (ما به کوه‌ها و پرندگان گفتیم:) ای کوه‌ها و ای پرندگان! با او هم‌آواز شوید و همراه او تسبیح خدا گوید! و آهن را برای او نرم کردیم.

/ 11

(و به او گفتیم:) زره‌های کامل و فراخ بساز، و حلقه‌ها را به اندازه و متناسب کن! و عمل صالح بجا آورید که من به آنچه انجام می‌دهید بینا هستم!

/ 17

در برابر آنچه می‌گویند شکبیا باش، و به خاطر بیاور بنده ما داوود صاحب قدرت را، که او بسیار توبه‌کننده بود!

/ 18

ما کوه‌ها را مسخر او ساختیم که هر شامگاه و صبحگاه با او تسبیح می‌گفتند!

/ 19

پرندگان را نیز دسته جمعی مسخر او کردیم (تا همراه او تسبیح خدا گویند)؛ و همه اینها بازگشت‌کننده به سوي او بودند!

[28] کمال‌الدین ج 1 ص 155

[29] 12- [تفسیر القمی] وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ قَالَ الْكُتُبُ كُلُّهَا ذِكْرٌ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ قَالَ الْقَائِمُ ع وَ

أَصْحَابُهُ قَالَ وَ الزَّبُورُ فِيهِ مَلَاحِمٌ وَ تَحْمِيدٌ وَ تَمْجِيدٌ وَ دُعَاءٌ / بحار الأنوار ج 14 ص 37

[30] الزام الناصب ج 1 ص 130

نفسنده: ناص